

رهیافت‌های نظری و عملی تشکل‌سازی از دیدگاه امام خمینی (ره)

رضالک‌زایی^۱

چکیده

مقاله حاضر به دنبال تبیین رویافت‌های نظری و عملی تشکل‌سازی از دیدگاه امام خمینی است. نگاه مقاله حاضر به تشکل به سان «موضوع حرکت» است، به همین دلیل تلاش شده با استفاده از الگوی تحلیل ارکان شش‌گانه حرکت تشکل‌سازی از دیدگاه امام خمینی تبیین و تحلیل شود. به لحاظ عقلی و فلسفی هر حرکتی دارای شش رکن است؛ مبدأ، مقصد، محرک، متحرک، زمان و مکان، و لذا چهارچوب نظری بحث را الگوی حرکت شکل می‌دهد. هدف از بررسی و تحلیل این موضوع این است که کسانی که به دنبال تأسیس تشکل هستند، با دیدگاه‌های امام خمینی در این زمینه آشنا شوند و آن را به کار ببندند. باید گفت «مبدأ تشکل» از منظر امام خمینی نقطه صفر و بلکه زیر صفر و ای کاش است. «محرک و انگیزه» تشکل باید الهی و به تعبیر قرآنی امام خمینی مبتنی بر قیام‌الله باشد. از لحاظ «متحرک» که ناظر به کیفیت و کمیت اعضای تشکل‌هاست امام خمینی شرایطی قائل است از جمله اینکه لازم است که تک‌تک اعضا معتقد و عامل به

۱. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی جامعه‌المصطفی‌العالمیه (ص)



اسلام در تمام ابعاد آن باشند و در یک جبهه و ذیل جریان اسلام ناب محمدی و در مقابل اسلام امریکایی فعالیت کنند. به لحاظ «مکانی» تشکل باید نگاه فراگیر و جهانی داشته باشد که در این میان برخی مکان‌ها از جمله کعبه در موسم حج و مساجد از موقعیت ویژه‌ای برخوردار هستند. به لحاظ «زمانی» هم تشکل‌ها باید دارای برنامه‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت باشند و هرگز ناامید و مأیوس نشوند. «هدف» هر تشکل هم باید عمل به تکلیف و کسب رضایت خداوند متعال و تقرب به او باشد و دیگران را هم به همین هدف دعوت کند. امام خمینی به نقد و رد برخی از تشکل‌های منحرف هم پرداخته‌اند که به برخی از نظریات امام خمینی راجع به آن تشکل‌ها اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام ناب محمدی، امام خمینی، تشکل، حزب‌الله، الگوی حرکت

مقدمه

روشن است که «تفکر سیاسی [امام] خمینی، منسجم‌ترین منطق اسلام‌گرایی است... بنابراین، بحث از نظرات و فعالیت‌های [امام] خمینی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا آنها به صورت تفاسیر موجود اسلام‌گرایی درآمده‌اند.»^۱ با مراجعه به آثار امام خمینی می‌توان گفت «تشکل» یک معنای عام و فراگیر دارد که شامل حزب، انجمن، نهاد، سازمان، جبهه، جریان، جمعیت، نهضت، هیئت و... می‌شود. به همین دلیل تمامی نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف و گوناگون از الگویی که امام خمینی ارائه می‌دهند، می‌توانند استفاده کنند.

به تعبیر دیگر ما به تعریف دقیق تشکل، حزب، گروه، انجمن، نهادها و سازمان‌های مختلف با کارکردهای گوناگون و تمایزات آنها وارد نمی‌شویم، و طبق دیدگاه امام به همه آنها «تشکل» یا با مفهومی که چهارچوب نظری تحقیق در اختیار ما قرار می‌دهد، «متحرک» اطلاق می‌کنیم. بر این اساس مفهوم تشکل یا متحرک، حتی شامل آن دسته از گروه‌هایی می‌شود که هنوز ساخته و پرداخته نشده‌اند و هیچ اسمی ندارند.

۱. نگاه تشکلی به انسان و اسلام در معارف قرآن کریم و معارف اهل بیت علیهم السلام ارائه شده است.

الف. در معارف قرآن کریم

قرآن مؤمنان را برادر یکدیگر خوانده است و برادری را به مثابه روح تشکل مسلمانان

۱. بابی سعید، هراس بنیادین (اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی)، ترجمه غلامرضا جمشیدپدیا و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵-۱۱۴.

قرار داده است. به طور کلی از پنج قسم برادری می توان یاد کرد:

۱. اخوت نسبی (اخوت رضاعی هم به منزله اخوت نسبی است).
۲. اخوت قومی؛ انبیا قوم خود را برادر خطاب می کردند؛ در حالی که آنها مشرک بودند: **وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا؛ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا.** شاید بتوان از اخوت قومی به اخوت انسانی هم تعبیر کرد.
۳. اخوت دینی؛ **«إِنَّمَا» الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ**
۴. اخوت کافران نسبت به هم؛ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى أَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُمْ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ.**^۱

۵. اخوت منافقان نسبت به هم؛ **الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا.**^۲

تفاوتی که برادری مؤمنان با برادری منافقان و کافران دارد در این است که برادری مؤمنان برادری ظاهری و باطنی و در دنیا و آخرت پایدار و استوار است اما منافقان و کافران در ظاهر و در دنیا با یکدیگر متحد و برادرند اما در واقع و در باطن و در آخرت دشمن یکدیگرند؛ **الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ** تا جایی که در صحنه قیامت که روز ظهر حقایق است، هر یک دیگری را لعنت می کند؛ **كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا.**^۳

بر این مبنا، از پنج تشکل می توان اسم برد. یک قانون مشترک که بر این تشکل ها حکم فرماست، هر کدام از این تشکل ها اتحاد و برادری بیشتر و بهتری داشته باشد، به موفقیت هم نزدیک است و هر یک دچار ضعف و اختلاف و تفرقه فردی و تشکیلاتی و بین تشکیلاتی شود، دچار انحطاط و سقوط می شود. به هر حال، برادری و اتحاد، رکن اساسی قدرت تشکل و نخ تسبیح آن است و هر چه این برادری مستحکم شود، قدرت و کارایی تشکل بیشتر می شود و هر چه این برادری لطمه ببیند و تضعیف شود، قدرت و کارایی خود را از دست می دهد. در این منظومه همه انسان های مسلمان عضو حزب الله اند و رمز تشکل خودشان را اسلام امریکایی کاملاً متمایز و شفاف نگاه می دارند.

۱. آل عمران، آیه ۱۵۶.

۲. آل عمران، آیه ۱۶۸.

۳. آیت الله جوادی آملی، پورتال بنیاد بین المللی اسرا به آدرس:

<http://www.portal.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=NDM5Mg%3d%3d-D2vwPW4zlyA%3d>





ب. در معارف اهل بیت علیهم السلام

امام رضا علیه السلام می فرماید: «ما هیچ فرقه‌ای از فرقه‌ها و آیینی از آیین‌ها را نیافته‌ایم که زندگی کنند و به حیات [سیاسی و اجتماعی و دینی] خود ادامه بدهند، مگر توسط قییم و رئیس...»^۱

عن العلل بسنده إلى الفضل بن شاذان عن مولانا أبي الحسن الرضا عليه السلام في علل حاجه الناس إلى الإمام عليه السلام، حيث قال بعد ذكر جمله من العلل: «و منها: أنا لا نجد فرقه من الفرق، و لا مله من الملل عاشوا و بقوا إلا بقییم و رئیس...»^۲

۲. امام خمینی نیز اسلام ناب را یک تشکل واحد، فراگیر و هویت‌ساز می‌داند که احکام اسلام هم قانون این تشکل کلان را تشکیل می‌دهد. مسلمانان در تمام دنیا و صرف نظر از رنگ و نژاد و جنسیت و سن، تحت فرمان و رهبری و پیامبران الهی و اهل بیت علیهم السلام و هم اکنون حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند و به همین دلیل حضرت امام تمامی مسلمانان را کارمندان اسلام^۳ و کارمندان امام زمان^۴ می‌داند. به نظر می‌رسد دو تعبیر به‌روز و مدرن «کارمند اسلام» و «کارمند امام زمان» به وضوح از نگاه تشکیلاتی امام خمینی به اسلام پرده برمی‌دارد.

در چهارچوب همین تعالیم امام خمینی معتقد است ایران و تمامی کشورهای اسلامی، یک انجمن اسلامی و تحت رهبری حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد: تمام ایران و تمام کشورهای اسلامی، انجمن اسلامی است؛ یک انجمن، و آن انجمن الهی. همه باید برای اسلام با هم باشیم؛ گرد هم در آییم. هر یک از این انجمن‌های محترم، [انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها] شعبه‌ای است از آن انجمن بزرگ اسلامی، تحت رهبری امام زمان - سلام الله علیه.^۵

امام خمینی معتقد است:

همه مؤمن‌ها در همه اقطار عالم برادر هستند. همان طوری که اگر یک خطری برای برادر یک کسی پیش بیاید او نمی‌نشیند تماشا کند

۱. شیخ صدوق، *علل الشرائع*، بی‌نا، ۱۳۸۳، باب ۱۸۲، ص ۲۵۳، ح ۹.

۲. همان.

۳. *صحیفه امام*، ج ۱۰، ص ۳۰۷.

۴. همان، ج ۱۱، ص ۲۴۹.

۵. همان، ج ۷، ص ۱۵۸.



و خطر واقع بشود بر برادرش، اگر در یک گوشه دنیا یک خطری برای یک برادری پیش بیاید، برادر ایمانی پیش بیاید، نباید یک برادر دیگری که در آن طرف دنیا هست بی تفاوت باشد؛ می‌تواند، باید قیام کند، نمی‌تواند؛ باید زمینه فراهم کند که یک وقتی رفع ظلم کند.^۱

این نگاه مؤمنانه و مسئولانه و ذاتاً سیاسی به اسلام است که «از مجموع کابوس‌های بسیاری که هر چند وقت یک بار در تمدن غربی پیدا شده، شاید هیچ یک در عصر حاضر به اندازه احیای اسلام، گیج‌کننده‌تر، عجیب‌تر و جبران‌ناپذیرتر نبوده است.»^۲

۳. استاد امام خمینی، آیت‌الله شاه‌آبادی نیز همین نگاه تشکیلاتی را به اسلام دارد و با استناد به قرآن کریم می‌فرماید قرآن از آغاز کتابی سیاسی و اجتماعی و تشکیلاتی است که با اسلام فردی و غیر تشکیلاتی مناسبتی ندارد، چون قرآن علاوه بر اینکه مسلمین را به اقامه نماز دعوت و از زنا بر حذر می‌دارد، ایجاد عفاف و پاکدامنی در جامعه و تولید نماز گزار را هم از مسلمین می‌خواهد و این مهم، بیان‌گر نگاه اجتماعی و سیاسی و تشکیلاتی و سیستماتیک قرآن است:

قرآن مجید با اسلام انفرادی مناسبت ندارد؛ زیرا که قرآن نمی‌فرماید به تنهایی نماز کن بلکه علاوه بر آن، تولید نمازگزار و اقامه صلوه را بر عهده مسلمین گذارده. قرآن نمی‌فرماید تنها تحرز از زنا نما؛ بلکه علاوه [بر آن]، حفظ عقد و منع از وقوع زنا را در عالم از وظایف ما مقرر فرمود.^۳

و در ادامه می‌فرماید:

افتراق مسلمین و انفصام خیط اخوت از میانه آنها است به واسطه اختلاط با اجانب موجب اضمحلال هر یک شده معاشا و معادا؛ حتی اجتماعات مختلفه المسالک موجب ضعف و اختلال است (فضلاً عن الافراد) و هر چه انفراد و افتراق بیشتر شود، اختلال و انحلال شدت یابد تا به سر حد انعدام همه جهات و حیثیات رسد؛ چنانچه حسن اعداء این جهت را، موجب هیجان و حرکت سریعه آنها گردیده و البته با این حالت حاضره، اساس زندگی دینی و دنیوی شما را بر چیده، مصداق آیه شریفه

۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۲.

۲. بای سعید، همان، ص ۹.

۳. عارف حکیم آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی، *شذرات‌المعارف* (توضیح و تقریر آیت‌الله نورالله شاه‌آبادی)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۴۳.



خسر الدنيا والأخره ذالك هو الخسران المبين خواهد گردید.^۱

۴. اگر برادران دینی و انسانی در مقابل برادران منافق و کافر قرار گرفتند، در واقع این دو اخوت، دو تشکل و دو هویت می‌سازد که با یکدیگر سازگاری ندارند و می‌توان با استفاده از ادبیات امام خمینی آن دو تشکل کلان را تشکل اسلام ناب محمدی و تشکل اسلام امریکایی بنامیم. چرا که «اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام راحل مسئله اسلام ناب محمدی است. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح اسلام امریکایی را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد.»^۲ بحث اسلام امریکایی توسط آیت‌الله خامنه‌ای بسط داده شده است. ایشان اسلام امریکایی را دارای دو شاخه می‌داند؛ ۱. شاخه تحجر که داعش نمونه بارز آن است؛ ۲. شاخه سکولار که اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس است؛ یعنی اسلام انگلیسی و تشیع انگلیسی.^۳

بنابراین تشکل اسلام ناب، و در واقع «اسلام به مثابه دال برتر»^۴ در گفتمان امام خمینی در مقابل تشکل و گفتمان اسلام امریکایی قرار دارد، پس نباید از کید دشمنان غافل بمانیم، چرا که در سرشت امریکا و شوروی [سابق] کینه و دشمنی با اسلام ناب موج می‌زند.^۵ بر این اساس لازم است که یک تشکل، چه نحیف و چه فربه، نسبت خودش را با دشمن تعیین کند و دقیقاً بداند که در کدام تشکل و جبهه و جریانی و با چه تشکل و جبهه و جریانی در حال نبرد است که می‌توان آن را بصیرت نامید.

امام خمینی جبهه اسلام را در مقابل جبهه امریکا تعریف می‌کند و امریکا را شیطان بزرگ معرفی می‌کند. امام خمینی همچون پانصد سال قبل، دو جبهه از سپاه مسلمین، یعنی دولت سنی عثمانی و دولت شیعه صفوی را مقابل هم قرار نمی‌دهد و آن اشتباه تاریخی را تکرار نمی‌کند. یا مرزبندی خود را دایره ضیق تشیع علوی و تشیع صفوی قرار نمی‌دهد و با دست خود، نیروهای سپاه اسلام را چند پاره نمی‌کند.

۶. اگر هویت را به تمایزات و تشابهات تعریف کنیم، اسلام ناب محمدی اولاً باید متمایز از اسلام امریکایی و ارزش‌های آن باشد و ثانیاً بتواند از هویت خود در برابر رقیب و بلکه دشمن غدار و کینه‌توز دفاع کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد اولین، فوری‌ترین و ضروری‌ترین تشکلی که امام خمینی تأسیس آن را حیاتی می‌داند تشکل بسیج در همه

۱. همان، ص ۴۷.

۲. بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴.

۳. همان، ۹۰/۱۱/۱۴.

۴. بای سعید، همان، ص ۶۳.

۵. صحیفه/امام، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

قشرها و اصناف است:

باید برای شکستن امواج طوفان‌ها و فتنه‌ها و جلوگیری از سیل آفت‌ها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم. ملتی که در خط اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجر گرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد. خلاصه کلام، اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند.^۱

۷. وقتی اسلام ناب، خودش یک تشکیلات رسمی و جهانی در نظر گرفته شود، سایر تشکلهای هم ساقه‌ها، برگ‌ها، شاخه‌ها، شکوفه‌ها و میوه‌های شجره طیبیه اسلام خواهند بود و لذا بحث از تشکل، یک بحث جدا از اسلام نیست تا لازم باشد که از لزوم آن سخن گفته شود. امام خمینی معتقد است «وجود انجمن‌های اسلامی در همه کشورها و خصوصاً ارگان‌های انقلابی از اموری است که لازم است.» امام چرایی لزوم را نمی‌گوید چون بدیهی است.

۸. هر تشکل و نهاد و سازمانی در پاسخ به یک نیاز از نیازهای مادی و یا معنوی انسان باید شکل بگیرد، بنابراین تشکل قابل بسط است اما اصول و چهارچوب‌های آن ثابت است. آن اصول، اصول ثابت مکتب امام خمینی است که عبارت‌اند از: ۱. اثبات اسلام ناب و نفی اسلام امریکایی ۲. اتکال به کمک الهی و اعتماد به صدق وعده‌های الهی و بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهان ۳. اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی ۴. حمایت از محرومان و مستضعفان و رد کردن نابرابری اقتصادی. ۵. حضور در جبهه مخالف قلدران و مستکبران بین‌المللی ۶. رد سلطه‌پذیری و حفظ استقلال کشور ۷. حفظ وحدت ملی و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکنانه.

چهارچوب نظری

به لحاظ عقلی و فلسفی هر حرکتی دارای شش رکن است، مبدأ، مقصد، محرک، متحرک، زمان و مکان، و لذا چهارچوب نظری بحث را الگوی حرکت شکل می‌دهد.

۱. همان.



ضمن آنکه از عوامل شتاب‌زا و تسریع‌کننده این حرکت هم سخن به میان خواهد آمد. به هر روی، بر اساس این چهارچوب نظری پرسش‌ها را این‌گونه می‌توان طرح کرد که الگوی امام خمینی چهارچوب نظری بحث را بر اساس الگوی حرکت (و عوامل شتاب‌زای آن) بنا کرد. به این ترتیب که بحث کنیم:

۱. پرسش از مبدأ: نقطه آغاز شکل‌گیری یک تشکل (یا گروه، حزب، انجمن، نهاد و...) کجاست؟

۲. پرسش از مقصد: هدف و غایت آن تشکل چیست و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟

۳. پرسش از متحرک: چه کسانی و با چه شرایطی می‌توانند یا صلاحیت دارند که عضو یک تشکل باشند؟

۴. پرسش از متحرک: چه کسانی و با چه شرایطی می‌توانند یا صلاحیت دارند که رهبران یک تشکل باشند؟

۵. پرسش از مکان: تشکل در کجا شکل می‌گیرد و قابلیت شکل‌گیری دارد؟

۶. پرسش از زمان: آیا وظایف تشکل با توجه زمان و موقعیت متفاوت می‌شود؟

با پاسخ دادن به این پرسش‌ها می‌توان الگوی متشکل‌سازی امام خمینی را استخراج کرد و اجمالاً به این دیدگاه رسید که «هر تشکلی با اعضای متعهد و صد در صد اسلامی و ضد استکبار (متحرک) به رهبری روحانیت (محرک) بر اساس برنامه‌های مناسب هر عصر (زمان) در راستای نفی استکبار، پول‌پرستی، تحجرگرایی، مقدس‌نمایی و استقرار حکومت بزرگ اسلامی (مقصد) در جای جای جهان مخصوصاً از مساجد و کنگره جهانی حج (مکان)، از صفر و بلکه از زیر صفر (مبدأ) می‌تواند شکل بگیرد.»

۱. نقطه شروع تشکل

هر تشکلی نقطه آغازی دارد و از جایی جوانه می‌زند و می‌روید. از نظر امام خمینی هر تشکلی «تقریباً از صفر»^۱ و «بلکه از زیر صفر»^۲ و «از نقطه کاش شروع شده است»^۳ ایشان معتقد است «مذهب شیعه هم از صفر شروع شد»^۴ و حتی استعمارگران هم از

۱. همان، ج ۵، ص ۱۳۳.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۲۱۵.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۴۷.

۴. امام خمینی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶.

سیصد، چهار صد سال قبل، از صفر شروع کردند تا به اینجا رسیدند.^۱ امام خمینی معتقد است بیداری قدم اول است و مفهوم آن بیدار شدن از خواب غفلت و هشیار شدن از سکر طبیعت است، و دریافتن این نکته است که انسان مسافر است.^۲ امام خمینی این مسئله عرفانی را به سیاست و به دلالت تضمینی و التزامی به تشکل‌ها هم تسری می‌دهد و ضمن آنکه سیاست را یک سیر و حرکت الهی و عرفانی مطرح می‌کند تصریح می‌فرماید که اولین گام اساسی و مهم در مسائل سیاسی «یقظه» و آگاهی است.^۳

۲. محرک

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفَرَادَى؛ یعنی چه به صورت فردی، چه به صورت گروهی در غالب تشکیلات و نهضت‌ها، قیامت‌ان «لله» باشد و آلوده به هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی و آمال مادی و دنیوی نباشد.^۴

محرک تشکل دو عامل است؛ یا شیطان یا خدا. اگر قیام و محرک انسان، خداوند باشد آدمی پیروز و سعادت‌مند است حتی اگر در ظاهر شکست بخورد و اگر محرک انسان شیطان و هواهای نفسانی باشد شکست و شقاوت او حتمی است حتی اگر در ظاهر پیروز شود. این عامل که همراه با بیداری فردی و جمعی انسان‌ها همراه است در بیداری اسلامی و صدور انقلاب نقش کلیدی دارد که ملت‌ها باید به خاطر خداوند قیام کنند و بدانند که خدا پشتیبان آنهاست. بنابراین می‌توان گفت بیداری و یقظه بیانگر حرکت و قیام‌لله بیانگر جهت حرکت جهان اسلام است. در ادامه به برخی از وظایفی که محرک و مسئول تشکل دارد، اشاره می‌کنیم.

۲.۱. توجه به بعد جهانی تشکل

امام خمینی همچنان که به اسلام نگاه تشکلی و جهانی دارد، به تحولات داخلی و منطقه‌ای هم جهانی نگاه می‌کند: «امروز مثل سابق نیست. امروز هر مسئله‌ای در یک گوشه دنیا واقع بشود، مسئله دنیا است، نه مسئله همان جا».^۵ و سپس نتیجه می‌گیرند که انقلاب اسلامی ایران هم محدود به ایران نیست و رسالت و پیامی جهانی

۱. همان، ص ۲۲.

۲. شرح چهل حدیث، ص ۹۸.

۳. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۸۲.

۴. با استفاده از صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۴۴-۲۴۳.

۵. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۳.



و فراگیر دارد:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت-ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^۱

امام خمینی از تمامی خطبا، گویندگان و نویسندگان می‌خواهد که در «امر حیاتی» به وجود آوردن جبهه مستضعفین اقدام و کوشش کنند تا با وحدت جبهه و وحدت کلمه و اخوت اسلامی و شعار «لا اله الا الله» مستضعفین از تحت اسارت قدرت‌های شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند.^۲

۲.۲. عضوگیری

امام عضوگیری تشکل‌ها را امری یا مسئله مهمی می‌داند^۳ و در پیامشان به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا و امریکا اظهار امیدواری می‌کنند که آنها به سایر دانشجویان در هند و پاکستان و کشورهای عربی و دیگر کشورها بیوندند و دامنه فعالیت خود را گسترش بدهند و کوشش کنند اسلام و عدالت اجتماعی را به همه طبقات معرفی کنند.^۴

امام همه تشکل‌ها را دارای یک درجه از اهمیت نمی‌داند، بلکه تشکل‌ها را دارای سلسله مراتب می‌داند و معتقد است در برخی از تشکل‌ها باید با دقت بیشتری عضوگیری کرد، مثل تشکل‌هایی که عنوان اسلامی دارد، مثل انجمن‌های اسلامی^۵ و تأکید می‌کند که برای عضوگیری سوابق تحصیلی، شغلی، فکری، خانوادگی و رابطه افراد با انقلاب اسلامی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب مورد بررسی قرار گیرد.^۶

امام تأکید می‌کند در تشکل‌های حساس، اشخاص فاسد و گروه‌های منحرف را به تشکل راه ندهند^۷ و اشخاصی را عضو کنند که هم خودش و هم خانواده‌اش مسلمان و انقلابی و دارای سوابق روشن باشند.^۸ البته منظور امام خمینی این هم نیست که افراد صالح را به خاطر اندک خطاهای گذشته کنار گذاشت، بلکه معتقدند: «برای یک امر

۱. همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۵.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۷۱.

۴. همان، ج ۱۷، ص ۱۱۲.

۵. همان، ج ۱۴، ص ۳۲۳.

۶. همان، ج ۱۴، ص ۳۲۲؛ همان، ج ۱۰، ص ۶۷؛ همان، ج ۱۵، ص ۲۷۱.

۷. همان، ج ۱۴، ص ۴۱۲.

۸. همان، ص ۳۲۳-۳۲۲.

جزئی افرادی [را] که صالح هستند، نباید کنار بگذارید. باید هر چه بکنید که جاذبه داشته باشید.»^۱

امام خمینی هشدار می‌دهند که اعضا و مخصوصاً گردانندگان تشکل «علاوه بر اینکه باید مواظب القائات روحانی نماها و مقدس مآب‌ها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها و به ظاهر عقلائی قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبدا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزی‌های بی‌مورد و ساده‌اندیشی‌ها سبب مراجعت آنان به پست‌های کلیدی و سرنوشت‌ساز نظام شود.»^۲ از منظر امام بر نامه مکتب اسلام در دو جمله خلاصه می‌شود؛ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ^۳، بر این مبنای اساسی و محور تشکیلات اسلامی هم بر همین پایه شکل می‌گیرد که نه ستم می‌کنند و نه مورد ستم قرار می‌گیرند. این اصل مخصوصاً باید مورد توجه مسئولان و مدیران تشکل‌ها باشد. هر چقدر گستره تشکل وسیع‌تر باشد، خطر بیشتری هم او را تهدید می‌کند.

اصل بعدی این است که تشکل‌ها با هدایت مدیر یا مدیران‌شان باید در مقابل ظلم و ستم بایستند^۴ و طرفدار مظلوم باشند و برایشان فرقی نکند که این مظلوم در کجای عالم قرار دارد، دارای چه دینی است و از کدام نژاد است.^۵

از دیگر وظایف مهم مدیر تشکل، مرزبندی با گروه‌ها و تشکیلات منحرف است. نظارت بر تشکل نیز یک امر مهم است. امام خمینی معتقد به نظارت بر تشکل‌هاست و تأکید می‌کند که خدای نخواستہ شخص منحرفی وارد تشکل مهمی نشود یا تصدی تشکل مهمی را بر عهده نگیرد،^۶ این نظارت هم داخل تشکل توسط مدیر و هم توسط سایر اعضا بر فعالیت مدیر بر اساس مکانیسم امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند صورت بگیرد و هم می‌توان ساز و کاری طراحی کرد که در سطوح مختلف بر فعالیت تشکل‌ها نظارت کند.

۳. اعضای تشکل‌ها

در اینجا پرسش این است که اگر ما تشکل را به عنوان یک ظرف در نظر بگیریم، مظلوم این ظرف باید چه کسی یا کسانی و با چه ویژگی‌هایی باشند. به تعبیر دیگر

۱. همان، ج ۷، ص ۱۱۲.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۵.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۸۱.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۱۲۲.

۵. همان، ج ۵، ص ۱۴۸.

۶. همان، ج ۷، ص ۱۱۲.



«موضوع حرکت» که در اینجا اعضای تشکل هستند، باید چه خصوصیتی داشته باشند؟

۳،۱. کمیت اعضا

پیش از این گفتیم که به نظر می‌رسد بتوان گفت که امام خمینی معتقد است که با یک نفر، تشکل شکل می‌گیرد. و اینکه گفته شد که یک نفر هم می‌تواند تشکل بدهد، نباید تعجیبی داشته باشد؛ بله! اگر کسی خواست مؤسسه‌ای ثبت کند باید هیئت مدیره داشته باشد و بر اساس قوانینی که مطرح شده عمل کند و به این معنی نمی‌تواند تشکلی را شکل بدهد، اما اگر بخواهد در مسجد به دانش‌آموزان قرآن آموزش بدهد، یا در منزل خودش مجلس وعظ و روضه برگزار کند، یا از این قبل کارها انجام بدهد، نیازی به چند نفر به معنای دولتی آن نیست. این نگاه به تشکل مخصوصاً در زمانی که حکومت در اختیار مسلمانان نیست، بسیار مهم است و همین الگو هم اکنون برای مسلمانان کشورهای دیگر کاربرد بیشتری دارد.

به هر روی، از منظر امام یک نفر اهمیت دارد و امام خمینی با تأسی به قرآن کریم تشکل را با یک نفر سامان می‌دهد و می‌فرماید:

تربیت یک طفل را نباید فقط یکی محسوب داشت، و همین طور سوء تربیت و سهل‌انگاری درباره یک طفل را نباید یکی حساب نمود. چه بسا که به تربیت یک طفل، یک جمعیت کثیر بلکه یک ملت و یک مملکت اصلاح شود، و به فساد یک نفر، یک مملکت و ملت فاسد شود.^۱

این سخن امام ناظر به تربیت و اهتمام به تربیت یک کودک است که ممکن است بر اثر اقدام همان کودک در بزرگسالی، سرنوشت تعداد زیادی تحت تأثیر قرار بگیرد. بنابراین یک نفر و تربیت یک نفر از منظر امام خمینی بسیار مهم است و نباید دست کم انگاشته شود. گرچه با کمی دقت می‌توان گفت که هر تشکلی که پدید آمده، در آغاز توسط یک نفر کلید خورده و شکل گرفته، به دیگر سخن فرد بر تشکل تقدم دارد و فرد به خاطر اینکه ایده‌اش را گسترش بدهد، لاجرم سراغ تشکل‌سازی خواهد رفت؛ چون در غیر این صورت با رفتن فرد، ایده‌اش هم می‌رود.

۳،۲. کمیت تشکل‌ها

نکته دیگر بر سر تعداد تشکل‌هاست. آیا تعدد تشکل مطلوب است یا مضر؟ پاسخ امام این است که تشکل جدید مفهومی اختلاف نیست. اگر اعضای تشکل از این زاویه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات

۱. امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴.

و حیرت‌ها و مشکلات بر طرف می‌گردد ولی این بدان معنی نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند.^۱

حضرت امام تعدد تشکل‌ها را می‌پذیرد اما برای آن شرایطی را مشخص می‌کند. وحدت در هدف، حفظ رفاقت در عین اختلاف سلیقه و تبدیل نکردن اختلاف به خصومت از جمله این شرایط است. مدلی که امام ارایه می‌کند، مدل مباحثه طلبگی است که با هدف واحد (کسب دانش)، و حفظ محبت و دوستی، با یکدیگر اختلاف دیدگاه دارند و آن اختلاف را به خصومت و تنش تبدیل نمی‌کنند.

البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دو رأی هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد. من عرض کردم مثل طلبه‌ها که با هم مباحثه می‌کنند، آن وقتی که مباحثه می‌کردند جار و جنجال جوری بود که انسان خیال می‌کرد دشمن هم هستند، وقتی مباحثه تمام می‌شد می‌نشستند به دوستی کردن و انس. اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم... باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم.^۲

امام در همین زمینه به آسیب‌شناسی احزاب هم پرداخته‌اند. تبیین امام خمینی از اختلافات احزاب در انگلیس و امریکا بر این اساس است که اولاً اختلاف آنها عاقلانه و حساب شده است و هیچ‌گاه طوری یکدیگر را تضعیف نمی‌کنند که کشورشان آسیب ببیند. از طرف دیگر «به ما نمایش می‌دادند که کشور باید احزاب داشته باشد و احزاب هم باید مخالف با هم باشند، ما را و احزاب ما را روبروی یکدیگر قرار می‌دادند و به ضرر هم صحبت می‌کردند و به ضرر هم قلمفرسایی می‌کردند؛ و نتیجه این شد که به ضرر کشور بود.»^۳

با این نگاه واقع‌بینانه، امام مشروطه را تحلیل می‌کنند و یکی از عوامل شکست آن را احزاب گوناگونی می‌دانند که بعد از مشروطه ایجاد شدند و بعد هم به جان هم افتادند و

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۹.

۲. همان، ص ۴۷.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۴۸-۴۷.



در نتیجه پیروزی ملت را به شکست و تباهی مبدل کردند.^۱ این امر یا ناشی از الگو گرفتن غلط از غرب بود یا توطئه‌ای بود که غربی‌ها در تعریف و تبیین حزب به سایر ملل ارایه می‌دادند که ظاهراً بر اساس فرمایش امام خمینی و به ویژه استفاده از واژه «نمایش» دیدگاه دوم درست است.

با در نظر گرفتن این نکات است که می‌توان امیدوار بود که اراده جمعی مطلقاً که در انقلاب اسلامی نمایان شد،^۲ در هر تشکلی نمایان شود و بر کارآیی و تأثیر هر تشکلی بیفزاید.

۳،۳. سطوح تشکل‌ها

امام خمینی با تفکیک ملت‌ها و دولت‌ها تشکیل تشکل را با محوریت مبارزه با ظلم، حداقل در چهار سطح پیشنهاد می‌دهد: ۱. ایران. ۲. جهان تشیع. ۳. جهان اسلام. ۴. جهان

۳،۳،۱. تشکل حزب‌الله

امام خمینی بر اساس نگاه جامع و فراگیر اسلام هر مسلمانی را که موازین و اصول اسلام را پذیرفته است و در اعمال و رفتار از انضباط دقیق شیعی برخوردار است، یک عضو از اعضای «حزب‌الله» می‌داند.^۳ مراد امام خمینی از مفهوم حزب، یک مفهوم قرآنی و غیر از حزب‌های متداول امروز دنیاست، لذا امام خمینی معتقد است که تمامی دستورات این حزب و خط مشی آن را قرآن و اسلام بیان کرده است.^۴ بنابراین در یک سطح ایشان تصریح دارد که «امروز تمام مردم ایران - در هر سنی که هستند - از زن و مرد که با شعارهای اسلامی مبارزه می‌کنند جزء حزب‌الله هستند.»^۵

در سطح دوم، انسان مسلمان شیعه، فارغ از سن، جنسیت، نژاد و موقعیت جغرافیایی یک عضو از یک تشکل بزرگ است که امام خمینی به تأسی از قرآن آن را حزب‌الله می‌نامد.

و در سطح سوم هر انسان مسلمانی عضو تشکیلات بزرگ حزب‌الله است. ایشان حج را یک محفل و تشکل میلیونی می‌داند که خداوند سالیانه برای مسلمین آماده کرده است که در صورتی که مسلمانان وضعیت خودشان را تغییر بدهند و با ایمان به تعالیم

۱. همان، ص ۴۸-۴۷.

۲. میشل فوکو، *ایران؛ روح یک جهان بی‌روح* (و نه گفت‌وگوی دیگر با میشل فوکو)، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۹، ص ۵۷.

۳. *صحیفه امام*، ج ۵، ص ۴۰۸.

۴. همان.

۵. همان.

قرآن که مسلمانان را برادر هم خوانده می‌توانند از آن بهره ببرند و خود را از استعمار و استبداد نجات بدهند.^۱

۳،۳،۲. تشکل مستضعفین

امام از جبهه مسضعفین^۲ یا حزب جهانی مستضعفین نیز به حزب الله تعبیر می‌کنند^۳ که می‌توان آن را سطح چهارم حزب الله نامید. محور این تشکل، صرف نظر از مذهب اعضای آن، مبارزه با ظلم مستکبرین است، امام با تأسیس این تشکل جهانی به دنبال حل دو مشکل است؛ اول: ارتباط ملت‌ها با هم. دوم: ارتباط دولت‌ها با ملت‌هایشان، به گونه‌ای که ملت‌ها، دولت‌ها را از خودشان بدانند و این امر زمانی محقق می‌شود که دولت به ملت خود ظلم نکند و ملت را از خود بداند.^۴ امام خمینی به رفتار پیامبر و امیر مؤمنان مثال می‌زنند و نیز به حمایت مردم ایران در جریان کردستان.

۳،۴. کیفیت اعضای تشکل‌ها

۳،۴،۱. عمل جامع به اسلام

شاخص مهم این است که افرادی که می‌خواهند از اسلام در غالب تشکل دفاع کنند، باید خودشان به اسلام پایبند باشند و از خود شروع کنند، و اگر این شرط را نداشته باشند نمی‌توانند اسلام را پیاده کنند.^۵ در قرائت امام خمینی از اسلام، اسلام یک دین جامع است که حداقل دارای سه لایه است و همه مسلمانان و مخصوصاً اعضای تشکل‌ها و انجمن‌های منتسب به اسلام باید اسلام را در این سه لایه اجرا کنند. لایه اول، لایه اعتقادی است، ممکن است کسی از لحاظ اعتقادی مشکل نداشته باشد و معتقد به عقاید اسلامی و اصول دین باشد اما از لحاظ اخلاقی (لایه دوم) دارای اخلاق اسلامی نباشد و مثلاً کبر داشته باشد. لایه سوم، اعمال اسلامی است؛ یعنی تعهد به ظواهر اسلام، به اوامر و نواهی اسلام و عمل کردن به احکام اسلام.^۶ با این تبیین، از یک سو امام خمینی مظاهر حسی و مادی عبادت را به کلی کنار نمی‌گذارد و عبادت را فقط یک حالت روحانی و معنوی در نظر نمی‌گیرد، و از طرف دیگر عبادت را تنها عمل حسی خارجی و به دور از محتوا و مضمون روحی نیز معرفی نمی‌کند تا به تعبیر آیت الله شهید سید محمدباقر

۱. همان، ج ۹، ص ۳۳۱.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۵۹.

۳. همان، ج ۹، ص ۳۳۱.

۴. برای مطالعه بیشتر رک: ابوذر گوهری مقدم و سید علی لطیفی، «انگاره امت در اندیشه سیاسی امام خمینی»، سپهر سیاست، س ۲، ش ۶، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۴۱-۱۱۷.

۵. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۴۴.

۶. همان.



حکیم فاصله‌اش را با بت پرستی حفظ کرده باشد و در نتیجه دینی میانه شود که همه ابعاد انسان را مراعات نموده است.^۱

بر این اساس پایبندی به همه ابعاد اسلام، نقش مهمی در تشخیص و استحکام هویت اجتماعی تشکل‌ها دارد و موجب تفاوت و امتیاز آنها از سایر گروه‌ها و تشکل‌ها می‌شود و روح تعاون و تفاهم و دوستی را در میان اعضا برقرار می‌کند و از جذب شدن و بلکه ذوب شدن آنها در دیگر تشکل‌ها و اسلام‌های تقلبی لائیکی، لیبرالی، تکفیری و در یک کلمه اسلام امریکایی جلوگیری می‌کند.

بنابراین هر تشکلی باید پایبند به اسلام و معارف باشد و دینش را از مرجع تقلید بگیرد. ظاهراً می‌توان گفت که التزام به رعایت احکام ظاهری اسلام که در توضیح المسائل گفته شده، برای تشکل‌ها سنجش‌گر روشنی است؛ به این معنی که اگر فعالیت رئیس تشکل یا اعضا و بلکه مفاد و محتوای اساسنامه آن در تضاد با احکام عملی شکل گرفت، باید بداند که از صراط مستقیم منحرف شده است.

۲، ۴، ۳. مسلح بودن به راهبرد سکوت

یکی از راهبردهای مهمی که امام خمینی در مبارزه با رژیم پهلوی هم آن را به کار می‌بست، راهبرد سکوت بود. امام خمینی در مسائلی که اظهار نظر ایشان باعث تفرقه و شکاف در میان صفوف دوستان و بهره‌برداری دشمنان می‌شد با صبر و تحمل سکوت را در پیش می‌گرفت و به این مهم توصیه می‌کرد:

من به شما ملت ایران سفارش می‌کنم، که اگر در روزنامه‌ای، در مطبوعاتی، در جای دیگری، به من سب بکنند، فحش بدهند، کسی حق ندارد که یک کلمه بگوید. من تحریم کردم بر شما جوابگویی را. برای اینکه توطئه‌ها است. توطئه‌ها را با سکوت خنثی کنید. و اگر چنانچه توطئه زیاد شد، با مشت خنثی می‌کنیم.^۲

بنابراین لازم نیست که تشکل‌ها راجع به هر مطلبی و هر جریانی سریعاً موضع‌گیری کنند و له یا علیه آن حرف بزنند بلکه لازم است مصلحت‌سنجی کنند و دقت کنند که هر کاری که به نفع اسلام است انجام بدهند.

۳، ۴، ۳. دخالت نکردن در کارهای یکدیگر

امام بین دخالت و ارشاد مرز قائل می‌شود و بر این باور است که هر تشکلی باید در

۱. سید محمدباقر حکیم، نقش اهل بیت علیهم‌السلام در بنیانگذاری جماعت صالحان، ترجمه کاظم حاتمی طبری، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۹۱، ص ۱۳.
۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۵۸.

حیطه اختیارات و وظایف خودش عمل کند، و در کار سایر نهادها و ارگان‌ها (مثلاً در کار ارتش یا ارگان‌ها) دخالت نکند، اما دولت را، مأمورین دولت و دیگران را ارشاد کند و در صورتی که به ارشاد آنها توجهی نشان ندادند، باید به مصادری که مسئولیت دارند، مراجعه کنند.^۱ روشن است که این فرمایش امام بر اساس اصل تقسیم کار و برای پرهیز از هرج و مرج و بی‌نظمی بسیار کارآمد و مهم است.

۳،۴،۴. تمایز میان انتقاد و برخورد خطی

و انتقاد سازنده معنایش مخالفت نیست و بلکه باعث رشد جامعه می‌شود. و البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. از منظر امام خمینی اگر در نظام اسلامی کسی یا گروهی بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران باشد و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم کند، قطعاً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است و به همین دلیل باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود و در مقابل، باید به تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورت‌ها و نزدیک ساختن مواضع اقدام کرد که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است.^۲

۳،۴،۵. خودباوری

گفتیم که یک نفر هم از نظر امام خمینی بسیار مهم است. امام خمینی معتقد است: «اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است.» حال آنکه ابرقدرت‌ها با تبلیغات دامنه‌دار به دنبال این بودند که به کشورهای ضعیف بباوراند ناتوان‌اند و هیچ کار مدیریتی و صنعتی را نمی‌توانند انجام بدهند.^۳ بر این مبنا خودباوری و اعتماد به نفس یکی از ارکان مهم تشکل را تشکیل می‌دهد. اگر یک تشکل به خودباوری و اعتماد به نفس برسد، می‌تواند در دیگران هم این خودباوری را شکوفا کند و باعث پیشرفت کشور شود اما اگر به جای خودباوری و دمیدن روح خودباوری به دیگران، چشم به دیگران دوخت و منتظر کمک ماند، در آینده نزدیک دچار فروپاشی خواهد شد.

لذا حضرت امام می‌فرماید افق تازه‌های مقابل چشم تشکل‌های گوناگون می‌گشاید و با نوید پیروزی و موفقیت به آنها می‌گوید: «مطمئن باشید که در درازمدت شما همه کار می‌توانید بکنید. و امیدوارم که مغزها را به کار بیندازند و آن خوف‌هایی که ایجاد

۱. همان، ج ۱۶، ص ۳۴۸.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۱۸۰.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۳۰۶.





کرده بودند در کشور ما، آن را هم کنار بگذارید و با شجاعت وارد بشوید و کار خودتان را انجام بدهید.^۱ و «خلاصه مطلب ما باید بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم.»^۲

۳،۴،۶. مسلمان بودن

توجه به مقصد واحد، توجه به دشمن مشترک و مسلمان بودن و نه ملی گرا بودن از دیگر خصوصیات تشکل و اعضای آن است که مورد توجه امام خمینی بوده است. حضرت امام معتقد است، ملی گراها اهل سازش و تسلیم اند نه اهل مقاومت و استقامت که «برای اینکه خود را از فشارهای سیاسی روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یک جا می شکستند و به همه تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می زدند.»^۳ امام خمینی تصریح می کند که آنهایی که می گویند ما ملیت را می خواهیم احیا کنیم، آنها مقابل اسلام ایستاده اند. افراد ملی به درد ما نمی خورند، افراد مسلمان به درد ما می خورند. اسلام با ملیت مخالف است؛ چون معنای ملیت این است که ما اسلام را نمی خواهیم.^۴ بنابراین تشکل هایی که با شعارهای لیبرالیستی و ناسیونالیستی پا می گیرند مورد تأیید امام نیستند.

۳،۴،۷. استقامت

استقامت و نرسیدن از غربت و تنهایی از دیگر خصوصیات تشکل است. بیش از این هم گفتیم که از دیدگاه امام خمینی، تشکل با یک نفر و با یک جمع محدود و محدود شکل می گیرد و می بالد و به ثمر می نشیند. بر این اساس یک تشکل الهی و اسلامی از تنهایی و غربت و کمبود امکانات به خود هراس راه نمی دهد و بلکه با ثبات قدم و توکل بر خدا به سوی هدف خود حرکت می کند: «اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می دهد.»^۵

۳،۴،۸. مقابله به مثل

مقابله به مثل با تشکل های منحرف به این معنی که به فعالیت های آنها با همان روش خودشان پاسخ بدهیم؛ سخنرانی در برابر سخنرانی، کتاب در برابر کتاب، اجتماع در برابر اجتماع.

۱. همان، ج ۱۶، ص ۸۴.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۳۱۰.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۹۸.

۴. همان، ج ۱۳، ص ۷۸.

۵. همان، ج ۲۱، ص ۳۱۸.

عقب‌نشینی از موضع اشتباه، وحدت، بشردوستی، وفا به عهد، مرزبندی تشکل‌های اسلامی از غیر اسلامی، طرد انقلابی‌نماها و روحانی‌نماها و مقدس‌مآب‌ها از دیگر خصوصیات یک تشکل مطلوب از منظر امام خمینی است.

۵.۳. تشکل‌های موفق و ناموفق

الگویی که امام خمینی برای تمام تشکل‌ها معرفی می‌کنند، حضرت رسول الله است. امام خمینی می‌فرماید:

مردم ما باید دائماً پیغمبر اکرم را به یاد بیاورند، پیغمبر اکرم قیام کردند، پایداری کردند، زحمت‌ها را متحمل شدند، در مکه با آن همه زحمت مواجه شده و در محاصره «شعب» آن همه رنج کشیدند، و بعد در مدینه تمام ایام زندگی‌شان را با رنج و زحمت تمام کردند، و حضرت حتی در بستر بیماری به جیش اسامه دستور حرکت دادند. ما هم تا آخر، زحمت‌ها و رنج‌های توطئه ابرقدرت‌ها را باید تحمل کنیم، ما موظف هستیم تا امر الهی را انجام دهیم. پس، از سختی‌ها نباید هراس داشته باشیم.^۱

از این منظر تمامی تشکل‌ها باید به رسول اعظم صلوات الله علیه و آله اقتدا کنند و از سختی‌ها و رنج‌ها نهراسند و گرفتاری‌ها و مشکلات را در راه خدا و برای خدا و با شرح صدر تحمل کنند.

نظام انقلاب اسلامی ایران، یکی از مصادیق مهم تشکل‌هایی است که امام خمینی آن را تأسیس کرده است. چنان که روشن است تأسیس این تشکل، همراه با هزینه‌های جانی و مالی و پذیرش خطرات گوناگون و مبارزه‌های طولانی بوده است که البته با پیروی از پیامبر اعظم صلوات الله علیه و آله با موفقیت به انجام رسید.

پس از تأسیس نظام اسلامی، تأسیس تشکل‌های گوناگون تقنینی، قضایی، فرهنگی، خدماتی و... توسط امام خمینی را نیز می‌توان از جمله اقدامات عملی ایشان در تشکل‌سازی ذکر کرد. این تشکل‌ها بر اساس نیازهای کشور و قشرهای مختلف مردم طراحی و تأسیس شده‌اند.

۱. همان، ج ۱۹، ص ۵۵-۵۴.



جدول تشکل‌های انقلاب اسلامی که توسط امام خمینی تأسیس شده‌اند^۱

| ردیف | نوع تشکل | اسامی تشکل |
|------|----------|--|
| ۱ | تقنینی | شورای انقلاب اسلامی، شوراهای شهر و روستا، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای بازنگری قانون اساسی |
| ۲ | قضایی | دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی، هیئت رسیدگی به شکایات، هیئت عفو زندانیان، سازمان تعزیرات حکومتی، هیئت گزینش اداری، ستاد اصلاح زندان‌ها، تلفیق دادستانی کل انقلاب و کشور، دادگاه‌های خاص، دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه امور صنفی، دادگاه ارشاد، دادگاه ویژه شهرداری تهران، دادگاه انتظامی قضات، دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی |
| ۳ | فرهنگی | نهضت سوادآموزی، ستاد و شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی تبلیغات اسلامی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم، مکتب بانوان قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی |
| ۴ | خدماتی | بنیاد مستضعفان و جانبازان، کمیته امداد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد پانزده خرداد |
| ۵ | دفاعی | کمیته‌های انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی)، فرماندهی کل قوا، بسیج مستضعفین، شورای عالی دفاع، شورای پشتیبانی جنگ |
| ۶ | مقطعی | هیئت رسیدگی به اوضاع شرکت ملی نفت، کمیته تنظیم اعتصابات، صندوق ملی ترمیم خسارات انقلاب، هیئت بررسی جنایات امریکا در ایران، هیئت حل اختلاف و رسیدگی به تخلفات، بنیاد امور مهاجرین، ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای، ستاد رسیدگی به امور مناطق بمباران شده، هیئت رسیدگی به انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی |

آنچه در این میان با اهمیت به نظر می‌رسد عبارت است از:

۱. [امام] خمینی هر تشکلی را بر اساس یک نیاز جامعه تأسیس کرده‌اند و در واقع هدفشان از تأسیس تشکل پاسخ دادن به نیازی از نیازهای جامعه و برطرف کردن آن نیاز بوده است نه آنکه صرف تشکیل تشکل برایشان اولویت داشته باشد. بنابراین باید قبل از هر چیز به درستی نیاز و یا نیازهای جامعه هدف را شناخت سپس تشکل مناسب آن را تأسیس کرد. نویسنده کتاب نتایج انقلاب ایران تصریح می‌کند که برخی از نویسندگان نشان می‌دهند که پیروان امام خمینی پیش و پس از انقلاب از سازماندهی خوبی برخوردار بوده‌اند.^۲

۲. امام خمینی معتقد بودند هر تشکلی به موقع و در زمان مناسب خودش باید تأسیس

۱. رک: امام خمینی و نهادهای انقلاب اسلامی، (تبیان: آثار موضوعی، دفتر سی و هشتم)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۱.

۲. نیکی آر. کدی، نتایج انقلاب/ ایران، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷.

شود. یعنی برطرف ساختن نیازها بعد از کهنه شدن آنها نباید صورت بگیرد بلکه به محض اینکه مشکل و یا نیازی در جامعه روی داد باید تشکل برای حل آن مشکل تأسیس شود.

۳. امام خمینی زمانی شورای انقلاب اسلامی را تشکیل دادند که هنوز حکومت را به دست نگرفته بودند و هنوز به ایران نیامده بودند. این مطلب بیان گر این نکته است که گاهی لازم است که نیاز پیش بینی و برای حل آن چاره اندیشی شود.

۴. نکته بعد این است که تشکل هایی که امام خمینی تأسیس کرده اند از جامعیت برخوردار هستند و چنانکه در جدول ملاحظه می شود، نیازهای همه ابعاد وجود انسان را پوشش می دهند و تک بعدی نیستند. یعنی هم نیازهای امنیتی، جسمی، حیاتی و هم نیازهای روحی، فکری، بینشی و هم نیازهای اخلاقی، ارزشی و هم نیازهای عاطفی و احساسی.

در نقطه مقابل امام خمینی تشکل هایی را که در چهار چوب اسلام ناب قرار ندارند را نقد می کند و به چالش می کشد که در جدول ذیل تا حدودی نشان داده شده است.^۱

| شماره | نوع تشکل | دیدگاه امام خمینی |
|-------|----------|--|
| ۱ | حزب توده | «حزب کثیف مرتبط به دستگاه شاه» ^۲ «مطرد جامعه اسلامی» ^۳ «طرفدار سرمایه دارها و قلدرها» ^۴ «مستقیماً از انگلیس ها بود» ^۵ «و حالا هم امریکا» ^۶ «جاسوس» ^۷ توطئه گر ^۸ |
| ۲ | جبهه ملی | «راه آنها با ما مختلف است» ^۹ «ملی گرایی اساس بدبختی مسلمین است» ^{۱۰} |

۱. رک: امام خمینی و نهادهای انقلاب اسلامی، همان، ص ۶۲۲-۳۴۳.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۸۷.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۴۶.

۴. همان، ج ۹، ص ۲۳-۲۲.

۵. همان.

۶. همان، ج ۱۷، ص ۴۶۰.

۷. همان.

۸. همان.

۹. همان، ج ۳، ص ۴۳۹.

۱۰. همان، ج ۱۳، ص ۸۷.



| | | |
|---|-------------------------------|---|
| | | «گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند، لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی توانستند انجام دهند» ^۱ و... |
| ۳ | نهیضت آزادی | «نهیضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به امریکا است، و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.» ^۲ «افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند.» ^۳ «نداشتن رمز شفاف با منافقان» ^۴ |
| ۴ | انجمن حجّیه | «دیروز حجّیه‌های ما مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات، تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده‌اند! «ولایتی»‌های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت و ولایت دوران شاه را می‌خورند!» ^۵ |
| ۵ | حزب رستاخیز | «نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین است؛ و مخالفت با آن از روشن ترین موارد نهی از منکر است.» ^۶ |
| ۶ | گروه‌های مارکسیستی و کمونیستی | «اینها [مارکسیست‌های داخلی] هم بسیاری‌شان، سرانشان - حالا شاید جوان‌هایشان این جور نباشند اما آن سرانشان آنهایی است که از دربار سر درآوردند و در آنجا کارهایی انجام می‌دهند! و الان بعضی‌شان نوکر دربار هستند! اینها از آنجا سر درمی‌آورند. اینها - به اصطلاح من - کمونیست امریکایی هستند نه کمونیست واقعی.» ^۷ هیچ‌گاه اسلام با کمونیسم موافق نیست» ^۸ |

۱. همان، ج ۲۱، ص ۴۰۲.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۴۸۱.

۳. همان.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۳۰.

۵. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۱.

۶. همان، ج ۳، ص ۷۱.

۷. همان، ج ۵، ص ۱۲۹.

۸. همان، ص ۱۷۰.

| | | |
|---|---------------------------|---|
| | | «آنها برای مقصد خودشان هر چه بوده اینجا و آنجا کرده‌اند، و یک کارهایی انجام داده‌اند و هیچ ربطی به نهضت ما ندارد. نهضت ما هیچ ارتباطی با چپی‌ها ندارد. و چپی‌ها هم هیچ خدمتی به نهضت ما نکرده‌اند. و هر چه کرده‌اند کارشکنی و خلاف بوده است.» ^۱ |
| ۷ | سازمان چریک‌های فدایی خلق | «شما خیال نکنید که یک فدایی خلق شوروی ما داریم اینجا. این «فدایی خلق‌های امریکایی» اند! اینها از آن طرف‌اند، نه این طرف. هر دو طرفش را ما مخالف با آن هستیم. از اول هم «حزب توده» یک حزب توده انگلیسی بود!» ^۲ |
| ۸ | سازمان مجاهدین خلق | «تمام معنویات را اینها به مادیات برمی‌گردانند! می‌گویند مسلمیم، لکن نه توحیدشان توحید اسلامی است؛ و نه بعثتشان بعثت اسلامی است؛ و نه نبوتشان نبوت اسلامی است؛ و نه امامتشان و نه معادشان. همه‌اش بر خلاف اسلام است. نه اینکه این حال تازه [باشد]؛ یعنی ده سال، پانزده سال است پیدا شده‌اند؛ در وقتی که اوایل شاید حوزه علمیه قم بود، بعضی از همین سنخ آدم‌ها، که معموم هم بودند، یک روزی آمدند بعضیشان پیش من و گفتند که ما این‌طور فهمیدیم که معاد همین عالم است، جزا هم همین عالم است.» ^۳ اینها طرفدار خلق هستند، طرفدار خلق ایران، اما در مقابل این خلق میلیونی ایران می‌ایستند و به جنگ مسلحانه بر می‌خیزند؟ ^۴ |
| ۹ | حزب دموکرات کردستان | «حزب دموکرات» کردستان یک جمعیت خرابکار هستند، یک جمعیت فاسد هستند، یک جمعیت مفسد هستند» ^۵ به مردم شریف کردستان اعلام می‌کنم که شما را برادر و برابر خود می‌دانیم، و از حقوقی برابر با سایر برادران ایرانی‌تان در هر کجا که باشید، برخوردار خواهید شد. و در جمهوری اسلامی هیچ فرقی بین ترک، کرد و لر و عرب و فارس و بلوچ نمی‌باشد» ^۶ «درگیری‌های غرب کشور عزیز ما درگیری‌هایی است از جانب امریکا که گروه‌های از خدابی‌خبر وابسته، هر روز ما را با آن مواجه کرده‌اند، و این به محتوای انقلاب اسلامی ما مربوط می‌شود که بر پایه استقلال واقعی بنا گشته است» ^۷ |

۱. همان، ج ۱۰، ص ۹۴.
۲. همان، ص ۳۳۷.
۳. همان، ص ۴۶۱-۴۶۰.
۴. همان، ج ۱۴، ص ۴۸۷.
۵. همان، ج ۹، ص ۲۹۸.
۶. همان، ص ۳۱۷.
۷. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۳.



| | | |
|----|-------------------|---|
| ۱۰ | حزب خلق مسلمان | «قلم‌های شما از تفنگ‌های آن دموکرات‌ها به اسلام بیشتر ضرر دارد. نطق‌های شما به اسلام ضررش بیشتر از آن توپ‌هایی است که آنها به جوانان ما می‌بندند و تفنگ‌هایی که آنها می‌بندند؛ ضررش به اسلام بیشتر است، برای اینکه آنجا دشمن معلوم است، و شما به صورت‌های مخفی به میدان می‌آیید. قلم‌های شما از سرنیزه‌های رضاخان بدتر است برای اسلام! و شما مضرتر هستید از رضاشاه و محمدرضا برای اسلام، برای اینکه آنها معلوم بود مخالف هستند و مردم می‌شناختند آنها را، مخالفت می‌کردند با آنها، مقاومت می‌کردند؛ شما در پوشش اسلام، در پوشش طرفداری از خلق مسلمان، بر خلاف اسلام دارید عمل می‌کنید» ^۱ |
| ۱۱ | گروه فرقان | «یک گروهی که تروریست هستند و مثل آقای «مطهری» را می‌کشند و اعلام می‌کنند» ^۲ |

۴. مکان

امام خمینی همان‌طور که از لحاظ تعداد نیروهای تشکل هیچ محدودیتی را نمی‌پذیرد، راجع به مکان تشکل هم می‌فرماید: «برای من مکان مطرح نیست. آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد آنجا خواهیم بود.»^۳ چرا که «ما طرفدار مظلوم هستیم. هر کس در هر کجا که مظلوم باشد ما طرفدار او هستیم.»^۴ بنابراین مرزهای تشکل، هماهنگ با سایر ابعاد آن فراگیر و جهانی باید در نظر گرفته شوند و نسبت به سرنوشت همه مظلومان جهان حساس باشد و واکنش سنجیده نشان بدهد:

امروز مثل سابق نیست. امروز هر مسئله‌ای در یک گوشه دنیا واقع بشود، مسئله دنیاست، نه مسئله همان‌جا. چنانچه یک تفرقه‌ای بین شما برادرها در ایران واقع بشود، این یک مسئله‌ای است در همه دنیا. و اگر تفرقه‌ای مابین برادران ایرانی و برادرهای عراقی واقع بشود، یعنی ملت عراق واقع بشود، این یک مسئله‌ای در دنیا هست، نه یک مسئله‌ای بین اینجا و عراق باشد؛ این را در دنیا رویش حساب می‌کنند.^۵

۱. همان، ج ۱۰، ص ۳۱۰-۳۰۹.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۵۲۶.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۰۱.

۴. همان، ص ۱۰۸.

۵. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۳.

اما به هر حال مساجد^۱ و کنگره جهانی حج و زیگی خاصی دارند که باید مرکز و پایگاه تشکل باشند.

۵. زمان

نگاه امام خمینی به تشکل‌ها یک نگاه راهبردی است، بنابراین برنامه‌هایی هم که ارائه می‌دهند راهبردی و واقع‌بینانه است. ایشان در سال ۱۳۴۸ می‌نویسد نباید انتظار داشت که تبلیغات و تعلیمات ما به زودی نتیجه بدهد و ما به سرعت بتوانیم حکومت اسلامی تشکیل بدهیم، بلکه نیاز به زمان و فعالیت‌های متنوع و مستمر دارد. پیشنهاد امام خمینی برنامه‌ریزی و فعالیت برای دو قرن است: «عقلای عالم یک سنگ اینجا می‌گذارند تا بعد از دو بیست سال، دیگری پایه‌ای بر آن بنا کند و نتیجه‌ای از آن به دست آید.» آنگاه از داستان معروفی یاد می‌کنند که در آن پیرمردی که مشغول غرس درخت گردوست در پاسخ کسی که به او می‌گوید گردو می‌کاری که پنجاه سال دیگر و بعد از مردنت ثمر می‌دهد، پاسخ می‌دهد دیگران کاشتند ما خوردیم؛ ما می‌کاریم تا دیگران بخورند.^۲

امام افق تلاشی در امتداد سه قرن راهم مطرح کرده است که باید بدون یأس و ناامیدی و بدون توجه به زندان و اسارت و رنج‌های مبارزه آن را پیمود:

مردان بزرگ، که دارای سطح فکر وسیعی می‌باشند، هیچ‌گاه مأیوس نگردیده و به وضع فعلی خود- که در زندان و اسارت به سر می‌برند و معلوم نیست آزاد می‌شوند یا نه- نمی‌اندیشند؛ و برای پیشبرد هدف خویش در هر شرایطی که باشند طرح نقشه می‌کنند تا بعداً اگر توانستند شخصاً آن طرح را به مرحله اجرا درآورند؛ و اگر خودشان فرصت نیافتند، دیگران- هر چند بعد از دو بیست یا سیصد سال- دنبال این طرح بروند و اجرا نمایند. اساس بسیاری از نهضت‌های بزرگ به همین صورت‌ها بوده است.^۳

بنابراین یک تشکل، از سطح محلی گرفته تا سطح منطقه‌ای و بین‌المللی باید با امید و توکل و تلاش مستمر، و افقی بلندمدت و با نگاه به نسل‌های آینده فعالیت کند و به دنبال

۱. رک: میثم عبداللهی چیرانی، «مسجد؛ اولین نهاد تشکیلاتی در تاریخ اسلام» در: حسن مقدمی شهیدانی (به اهتمام)، جستارهایی در باب تشکل دینی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴.

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴.

۳. همان، ص ۱۳۵.

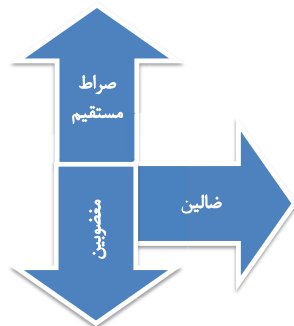


نتیجه کوتاه‌مدت و ناقص و ناکافی نباشد، حتی اگر چند قرن طول بکشد.

۶. هدف

هر تشکلی به دنبال غایتی است، سؤال این است که غایت را چه کسی یا چه چیزی تعیین می‌کند. به نظر می‌رسد بتوان گفت که جهان‌بینی و برداشت کلی از جهان و انسان، غایت شخص و تشکلی را که او رهبری می‌کند یا عضو آن شده است، تعیین می‌کند. اگر انسان، معتقد به جهان‌بینی مادی باشد و خود را جایگزین خدا بداند، غایت او متدانی (غیر متعالی الهی یا ضد الهی) و اگر معتقد به جهان‌بینی الهی باشد و خود را جانشین خدا بداند، غایت او متعالی (الهی) خواهد بود.^۱ بر این اساس غایت تشکل‌های الهی تقرب به خداوند متعال است و تمام فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خدماتی، رفاهی، نظامی، علمی، تبلیغی و... به تنهایی هدف و مطلوب و مقصد تشکل نیستند.

امر دیگری که غایت علوم انسانی را تعیین می‌کند، نظام ارزشی اعضای تشکل است؛ اگر تشکلی امور غیر انسانی را ارزش بداند، همان ارزش را غایت تشکل خود در نظر می‌گیرد؛ بر این مبنا، دو غایت کلان‌لله و للنفس شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد بتوان گفت نظام ارزش‌ها را هم جهان‌بینی تعیین می‌کند و جهان‌بینی و نگرش کلی به انسان و جهان، تأثیر مهمی در غایت تشکل دارد که وحی در اختیار انسان قرار می‌دهد؛ و به دلیل این نقش مهم انبیای الهی است که «دعوت شده است که ما تحت تربیت انبیا برویم و تحت تربیت بزرگان از اولیا واقع بشویم، تا آنها ما را هدایت کنند به راه مستقیم. و هر روز چندین مرتبه از خدای تبارک و تعالی بخواهیم که ما را هدایت کند به صراط مستقیم، نه راه چپ، و نه راه راست: *غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ*»^۲ که در شکل ذیل ملاحظه می‌شود:



دو راه ضالین و مغضوبین که غیر فاضله (و بلکه فاسقه و ضاله و جاهله‌اند) در متدانی بودن با هم مشترک هستند و تنها صراط مستقیم است که راه تعالی هر تشکلی را نشان می‌دهد. امام خمینی راجع به بحث غایت معتقد است:

۱. رک: امام خمینی، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۹.

۲. سوره حمد، آیه ۶ و ۷.



از همه جا و در همه جا توجه به تربیت انبیا داشته باشید. شما در قرآن کریم- در اول سوره قرآن کریم- می‌خوانید که الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۱ کلمه «ربوبیت» را و مبدأ تربیت را در اول قرآن طرح می‌کند. و ما را مکلف فرموده‌اند که در هر شبانه‌روز چندین مرتبه این را در رکعات نماز بخوانیم و توجه داشته باشیم به اینکه مسئله تربیت و ربوبیت- که درجه اعلائی آن مخصوص به خدای تبارک و تعالی است و دنبال آن منعکس می‌شود در انبیای عظام و به وسیله آنها به سایر انسان‌ها- این در آن پایه از اهمیت بوده است که دنبال «لِلَّهِ»، «رَبِّ الْعَالَمِينَ»، مربی عالمین آمده است. و باز در همین سوره می‌خوانید که غایت تربیت، حرکت در «صراط مستقیم» است. و منتهی‌الیه این صراط مستقیم؛ کمال مطلق است، الله است... اگر انسان‌ها در کلمه مبارک که «الله» مجتمع شدند و همه بت‌ها را شکستند، به همه مقصدهای عالی می‌رسند- چه مقاصدی که در این دنیا هست برای بشر و اجتماعات بشر، و چه مقاصدی که مقاصد بالاتر است و در عالم دیگر هست.^۲

فرمایشات امام خمینی در جدول ذیل قابل مشاهده است؛

| | | |
|---|-------|--------------------------------------|
| ۱ | مبدأ | پذیرش ربوبیت خداوند متعال |
| ۲ | مسیر | حرکت در صراط مستقیم |
| ۳ | زمان | بدون محدودیت |
| ۴ | محرک | تعالیم عقلانی و وحیانی |
| ۵ | متحرک | انسان (در سه لایه عقلی، قلبی و جسمی) |
| ۶ | مقصد | لقاءالله |

این جدول، بر اساس ارکان حرکت یعنی مبدأ (پذیرش تربیت توحیدی)، مقصد (لقاءالله)، زمان و مکان (همه وقت و همه جا)، محرک (وحی) و متحرک (انسان) ترسیم شده است. بر اساس موضوع بحث، رکنی که قابل بسط می‌باشد، رکن مهم مقصد است. مقصد را امام خمینی به صورت تشکیکی و جامع، در چند سطح مطرح کردند: ۱. مقصد

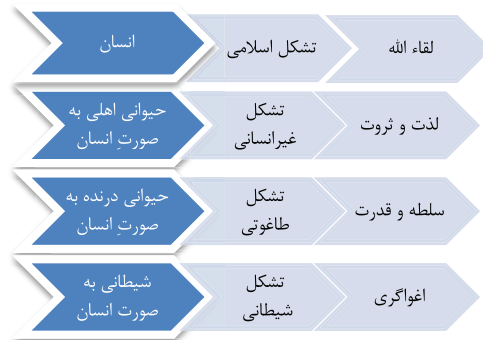
۱. سوره حمد، آیه ۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

فردی ۲. مقصد اجتماعی ۳. مقصد دنیوی ۴. مقصد اخروی؛ که البته اگر بخواهیم دقیق بگوییم باید بگوییم: ۱. مقصد متعالی دنیوی فردی ۲. مقصد متعالی دنیوی اجتماعی ۳. مقاصد متعالی بالاتر در عالم دیگر. بنابراین حرکت در صراط مستقیم رسیدن انسان به اهداف متعالی انسان را تأمین می‌کند. تفاوت غایات، به تفاوت انسان‌ها برمی‌گردد؛ امام خمینی بر اساس انواع انسان هم غایات متفاوت بشر را دسته‌بندی کرده و تفاوت آنها را گفته‌اند:

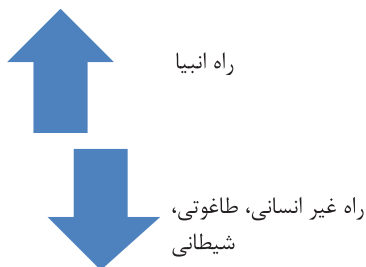
افرادی که از فطرت انسانی خارج شدند، و حیوانی هستند به صورت انسان، سبعی هستند به صورت انسان، شیطانی هستند به صورت انسان؛ آنها هم در راه مقصد خودشان کوشش می‌کنند. مقصدی که دارند آنها هم کوشش می‌کنند. لکن فرق مابین این دو راه و این دو مقصد این است که آنها کوشش می‌کنند برای به دست آوردن یک مآرب حیوانی - شیطانی؛ و اینها کوشش می‌کنند برای یک مقصد الهی. اینها می‌خواهند که جامعه را، تمام جامعه را انسان کنند. انبیا مأمورند از جانب خدای تبارک و تعالی که بیایند و جامعه‌ها را که در سر دوراهی واقع شدند، یک راه، راه انسانیت است و یک راه، راه شیطانی و طاغوتی و غیر انسانی. و خود مردم نمی‌توانند درست تشخیص بدهند راه را. انبیا موظف‌اند که ملت‌ها را و گروه‌ها و جمعیت‌ها را با دعوت‌های خودشان، با تعلیمات و ارشادات خودشان، انسان کنند. از اول خلقت تا آخر، همین معنا طرح است که این جمعیت‌ها انسان بشوند.^۱

آنچه آمد در شکل قابل مشاهده است:



۱. صحیفه/امام، ج ۱۳، ص ۲۸۸؛ مطالبی را که امام خمینی می‌فرمایند ریشه در مبانی انسان‌شناسی ایشان دارد، به عنوان مثال رک: چهل حدیث، ص ۳۹۹.

تفاوت مسیر و در نهایت تفاوت غایت تشکل های متعالی و متدانی در شکل ذیل قابل مشاهده است:



اگر بخواهیم دقیق تر بحث کنیم، باید بگوییم امام خمینی معتقد است هشت نوع انسان وجود دارد که بر اساس نظریه دو فطرت، در دو پارادایم یا مجموعه فطرت مخموره و فطرت محجوبه طبقه بندی می شوند که در جدول ذیل ارایه شده است:

| در نتیجه گسترش حق و جنود عقل | عقل محور | متعالی (بر مبنای فطرت مخموره) دارای مراحل تشکیکی | انواع جریان انواع جبهه انواع تشکل |
|--------------------------------|--|--|---|
| در نتیجه گسترش باطل و جنود جهل | به دنبال سود، لذت و منفعت مادی | متدانی (بر مبنای فطرت محجوبه) دارای کثرت و تشتت | |
| | به دنبال سلطه و قدرت | | |
| | به دنبال تزویر و فریب و اغوا | | |
| | به دنبال سود، لذت، منافع مادی و سلطه و قدرت | | |
| | به دنبال سود، لذت، منافع مادی و تزویر و فریب و اغوا | | |
| | به دنبال سلطه، قدرت و تزویر و فریب و اغوا | | |
| | به دنبال سود، لذت و منافع مادی و سلطه و قدرت و تزویر و فریب و اغوا | | |

نکته راهبردی درباره مقصد این است که وقتی انسان مقاصد عالی خویش را تشخیص

داد و انتخاب کرد، رنج و زحمت رسیدن به آن مقصد را هم باید تحمل کند؛^۱ بنابراین این هدف تشکل متعالی به زبان سیاسی «خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان^۲ و سیلی زدن به ابرقدرت‌ها مخصوصاً امریکاست^۳ تا جایی که «مستکبری در زمین نباشد^۴ و لاجرم برای این مهم باید قدرت داشت و سنگرهای کلیدی جهان را فتح کرد^۵ و «باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد.»^۶

پس اگر گروه‌ها مختلف باشند، ولی در امور عقیدتی و در اصول عقاید اسلامی تفاهم داشته باشند، آسیب نمی‌بینند. چرا که درگیری در اختلاف آرا و عقیده است و مهم این است که مقصد، مقصد واحد باشد، هر چند از راه‌های مختلف به آن مقصد برسیم و این اساس امور است. و اگر این طور نشود، منجر به درگیری می‌شود.^۷ بنابراین تشکل‌ها باید جهانی بیندیشند و برای خودشان رسالت جهانی تعریف کنند و به اندازه‌ای که می‌توانند و مجال فعالیت دارند عمل کنند و نتیجه را به خدا واگذار کنند.

جمع‌بندی

تبیین تشکل‌سازی از دیدگاه امام خمینی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از الگوی تحلیل حرکت، گفتیم که نقطه آغاز یک تشکل از صفر و از نقطه‌ای کاش است و از این نقطه باید تشکل حرکت خودش را آغاز کند، نه آنکه منتظر باشد تا قدرت و امکانات به دست بیاورد آنگاه حرکت کند؛ بلکه باید حرکت کند تا قدرت کسب کند. محرک و انگیزه تشکل باید الهی و به تعبیر قرآنی مبتنی بر قیام‌الله باشد و للنفس. از لحاظ متحرک که ناظر به کیفیت و کمیت اعضای تشکل‌هاست امام خمینی شرایطی قائل است از جمله اینکه لازم است که تک‌تک اعضا معتقد و عامل به اسلام در تمام ابعاد آن باشند و در یک جبهه و ذیل جریان اسلام ناب محمدی و در مقابل اسلام امریکایی

۱. همان، ج ۱۳، ص ۲۸۸.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۸۱.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

۴. همان، ج ۷، ص ۱۱۷.

۵. همان، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

۶. همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

۷. همان، ج ۱۵، ص ۲۷۱.

فعالیت کنند. به لحاظ مکانی تشکل باید نگاه فراگیر و جهانی داشته باشد اما روشن است که برخی مکان‌ها از جمله کعبه در موسم حج و مساجد از موقعیت ممتازی برخوردار هستند. به لحاظ زمانی هم تشکل‌ها باید دارای برنامه‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت باشند و هرگز ناامید و مأیوس نشوند. هدف هر تشکل هم باید عمل به تکلیف و کسب رضایت خداوند متعال و تقرب به او باشد و دیگران را هم به همین هدف دعوت کند.

